

Les théories de l'art

(Philosophie, Critique et Histoire de l'art de Platon à nos jours),
Jean-Luc Chalumeau

نظریه‌های هنر

فلسفه، نقد و تاریخ هنر از زمان افلاطون تا روزگار ما
ژان لوک شلومو/ترجمه و تعلیق: مصطفی گودرزی

فهرست مطالب

امانوئل [ایمانوئل] کانت/ ۹۱	■ مقدمه:
فردریش ون شلکل/ ۹۶	پنج خانواده بزرگ نظریه‌های هنر/ ۱۱
فردریش ویلهلم ون شلینگ/ ۹۷	پدیدارشناسی هنر/ ۱۳
گئورگ ویلهلم فریدریش هگل/ ۹۹	روان‌شناسی هنر/ ۱۶
آرتور شوپنهاور/ ۱۰۳	جامعه‌شناسی هنر/ ۱۸
فردریش نیچه/ ۱۰۵	فرمالیسم [شکل‌گرایی/ صورت‌گرایی]/ ۲۱
مارتین هایدگر/ ۱۰۹	تحلیل ساختاری/ ۲۲
■ فصل هفتم:	■ فصل اول:
تاریخ‌نگاران هنر وارثان فلسفه	نظریه‌های هنر در دوران باستان/ ۳۷
زیبایی‌شناختی آلمانی/ ۱۱۹	افلاطون/ ۳۹
کارل فردریش فون رومهر/ ۱۲۱	ارسطو/ ۴۱
آنتون اسپرینگر/ ۱۲۳	فلوطین/ ۴۳
الوتیس ریگل/ ۱۲۵	■ فصل دوم:
هایتریش ولفلین/ ۱۲۷	رنسانس/ ۴۷
ابی واریورگ/ ۱۳۲	چنینو چنینی/ ۴۹
اروین پانوفسکی/ ۱۳۶	لئون باتیسا آلبرتی/ ۵۱
■ فصل هشتم:	لئوناردو داوینچی/ ۵۳
نظریه پردازان مارکسیست هنر/ ۱۵۵	آلبرخت [آلبرشت] دورر/ ۵۶
کارل مارکس/ ۱۵۷	جیورجیو وازاری/ ۵۷
تئودور آدورنو/ ۱۶۳	■ فصل سوم:
هربرت مارکوزه/ ۱۶۵	کلاسیسیسم و باروک در قرن هفدهم/ ۶۳
■ فصل نهم:	نیگلا پوسن/ ۶۵
نظریه‌های روانکاوانه هنر/ ۱۷۵	روژه دیویل/ ۶۸
زیگموند فروید/ ۱۷۷	■ فصل چهارم:
ژان لاکان/ ۱۸۱	نئوکلاسیسیسم و توصیف آثار در قرن هجدهم/ ۷۱
■ فصل دهم:	یوهان یواخیم وینکلمان/ ۷۳
نظریه پردازان هنر معاصر/ ۱۸۹	آنتون رافائل مانگ/ ۷۵
موریس مرلو-پونتی/ ۱۹۱	دنی دیدرو/ ۷۶
پی‌یر فرانکستل/ ۱۹۵	■ فصل پنجم:
هوبر دمیش/ ۲۰۳	رمانتیسم/ ۷۹
میر شاپیرو/ ۲۰۹	اوژن دولاکروا/ ۸۱
کلمنت گرینبرگ/ ۲۱۳	شارل بودلر/ ۸۳
سر ارنست کامبریج/ ۲۱۷	جان راسکین/ ۸۶
دانیل آراس/ ۲۱۹	■ فصل ششم:
■ فصل یازدهم:	فلسفه هنر آلمانی/ ۸۹
وضعیت کنونی: میان افراط و فقدان	
نظریه هنر/ ۲۴۱	

اندیشه هنر به پنج خانواده اصلی که بیشتر مکملند تا متضاد و رقیب، تقسیم می‌شود، که پدیدارشناسی هنر^۵، روان‌شناسی هنر^۶، جامعه‌شناسی هنر^۷، صورت‌گرایی [فرمالیسم]^۸ و تحلیل ساختاری^۹ نامیده می‌شوند. هر یک از این پنج خانواده، متناسب با دوران و اعصار و آفرینندگان و مولفان آنها، به نوبه خود از دستاوردهای روش‌شناختی حاصل از مارکسیسم، از علم روان‌کاوی و به یک شیوه کلی و همگانی‌تر، از علوم انسانی، غنی می‌شوند و تغذیه می‌کنند^{۱۰}.

پدیدارشناسی هنر

کانت (فصل شش، بخش اول) و هگل (فصل شش، بخش دوم) به‌عنوان پایه‌گذاران پدیدارشناسی هنر شناخته می‌شوند که در قرن بیستم به‌واسطه کارهای موريس مرلو-پونتی^{۱۱} (فصل ده، بخش اول) بر اعتبار آن افزوده شده

5. La Phénoménologie de l'art/ The phenomenology of art.

پدیدارشناسی یا پدیده‌شناسی، مکتب و روشی است که توسط ادوموند هوسرل با هدف نظام‌بخشیدن به فلسفه و علوم انسانی پایه‌گذاری شده‌است. این مکتب به دنبال پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات، یا به عبارت دیگر نسبت به پدیدارهایی است که بی‌واسطه در تجربه ما ظاهر می‌شوند. البته از سوی دیگر باید در نظر داشت که پدیدارشناسی برای اولین بار در ۱۷۶۵ میلادی در نوشته‌های فلسفی به کار گرفته شده و کانت نیز به مناسبت از آن استفاده می‌کرده است. از دید فیثته یا شلینگ پدیده‌شناسی شناخت کامل از مسأله به وسیله خود مسأله است. اما پس از این از سوی هگل به آن یک معنی فنی مرتب اختصاص داده شده است. چون پدیدارشناسی هگل صرفاً می‌خواست معرفت را از حیث پدیدار شدن بر شعور ملاحظه کند. سعی هگل در کتاب پدیدارشناسی روح این است که از شناخت پدیداری خود انتقادی به معرفت امر مطلق که خود باید معرفتی مطلق نام گیرد، ارتقا پیدا کند. پدیده‌شناسی یکی از سوست بزرگ فلسفی سده بیستم است که با پیروانی چون ماکس شلر، مارتین هایدگر، مرلو پونتی، گادامر و پل ریکور، فرسوی فلسفه در حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و دیگر علوم انسانی کاربرد دارد (جوئف جی. کاکلمانس، *پدیدارشناسی چیست؟* برخی از موضوعات بنیادی پدیدارشناسی هوسرل، مجله نامه فلسفه، زمستان ۱۳۷۶، شماره دوم، صص ۶۳ تا ۷۴).

6. La psychologie de l'art/ The psychology of art.

7. La sociologie de l'art/ The sociology of the art.

8. Le formalisme/ Formalism.

9. L'analyse structurale/ The structural analysis.

۱۱. دیاجه کلی به محتوای کتاب ما [من]، با عنوان "خواندن هنر" (انتشارات کلینکسیک، ۲۰۰۲) شما را ارجاع می‌دهد که در آن کتاب، نگاهی کلی از موضوعاتی که از مولف به مولف در این کتاب آمده است، ارائه می‌گاید.

۱۲. موريس مرلو-پونتی [Maurice Merleau-Ponty]. [۱۹۰۸-۱۹۶۱]. از مطرح‌ترین پدیدارشناسان قرن بیستم بود. او پژوهش‌های هوسرل فراتر رفت و نشان داد که دوگانگی سوژه و ایزه در کار نیست. شاخه اصلی کار او، پدیدارشناسی حرکت، یکی از سه سنت مهم در پدیدارشناسی محسوب می‌شود.

است. بحث بر سر فهمیدن این است که چگونه انسان تصاویر را درک کرده و تفسیر می‌کند (به معنی واقعی کلمه، یا به‌طور ادبی گفته شده: «چگونه این پدیده رخ می‌دهد؟»)، خواه هنرمند - خالق و یا تماشاگر- دریافت‌کننده باشد.

ژان پل سارتر نمونه مشهوری از تحلیل پدیدارشناسانه تصویر را که بر کانت و هگل متکی است، در کتاب خود "تخیلی [خیالی]" ارایه و پیشنهاد کرده است. اولین بخش از "تخیلی" (ساختار هدفمند و ارادی تصویر) مضامین (پدیده‌های) آگاهی را در مورد خاص طرح‌های کلی بررسی می‌کند. به‌یاری تصویرهای بی‌نهایت خشن، بیش از آن چه که نشان داده شده و درک می‌شود می‌بینیم. سارتر می‌نویسد «از پس این خطوط سیاه، ما تنها یک پیکره را احساس نمی‌کنیم بلکه یک انسان کامل را می‌بینیم، ما تمام خصوصیاتشان را در آنها بدون تمایز گذاشتن متمرکز می‌کنیم: در معنای خاص، خطوط سیاه هیچ چیز را به ذهن نمی‌آورند و هیچ چیزی را نشان نمی‌دهند، مگر بعضی روابط ساختاری و ظاهری. اما یک پایه و عنصر ارائه شونده و یک طرح اولیه از تصویرگری، کفایت برای اینکه همه دانسته‌ها و آگاهی‌ها در آن خوار شوند و فرونشینند، در حالی که اینچنین، نوعی عمق و ژرفا به این تصویر مسطح و بی‌روح می‌دهد»^[۱۲].

بدین ترتیب، فیلسوف به آشکار ساختن آنچه که تصویر را می‌سازد و جایگزین تمامی عیوب ادراک می‌شود، یعنی همان مقصود سوق داده می‌شود. دو نوع آگاهی وجود دارد: یکی اشیاء را برای خودشان بررسی می‌کند و این آگاهی ادراکی است؛ و دیگری که آنها را به عنوان شبه - اشیاء بررسی می‌کند، این آگاهی مجازی غیر واقع‌گراست که بخصوص در تأمل در آثار هنری مطرح است. هر شیء ای (هدفی) با توانایی عمل کردن چه به عنوان واقعیتی موجود، چه به عنوان تصویر، نتیجه‌ای که در بر دارد اینست: این تماشاگر است که به واسطهٔ اختیارش جایگاه این شیء (هدف) را تعیین می‌کند. تحلیل سارتر از نقطه نظر پدیدارشناسی، امکان درک ترفند هنرمندانی را می‌دهد که در ابهام نقاط تماس بین دو ادراک نقش دارند:

جاسپر جونز^{۱۳}، "پرچم‌ها"ی را به تصویر می‌کشد که هم پرچم‌های «واقعی»

12. *L'Imaginaire*, Gallimard, "Idées", 1940, p. 65.

13. Jasper Johns, Jr. (born in 1930).